

تجلی قرآن در شعر شهریار

ایناس شدیفات

گروه زبانهای سامی و شرقی

دانشگاه یرموک، اردن

چکیده:

از آنجا که بخش اعظم متون ادب فارسی متأثر از فرهنگ و معارف اسلامی و آثار استاد شهریار نیز از این قاعده مستثنی نبوده است، که یکی از مهمترین نمادهای شعر شهریار و ظرافت آن، انعکاس گسترده آیات و قصص قرآنی آن، هم با ظرافتی بس بدیع در لابه لای وزن و قافیه اشعار است که این شاعر با مهارت ویژه خود از این آیات به عنوان صنایع شعری نیز استفاده نموده است. چنین تأثیر زیبایی قرآن در شعر شهریار را می توان در محتوا و شیوه بلاغی آن ملاحظه نمود. این پژوهش به بررسی تجلی قرآن مجید در شعر شهریار اختصاص یافته است.

واژه های کلیدی: قرآن، شهریار، شعر معاصر، عرفان، عشق

مقدمه:

قرآن مجید معجزه جاودانی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم که علت به وجود آمدن فرهنگ اسلامی است و از جمله اشعار فارسی که قرآن در آن انعکاس گسترده داشته است، شعرای فارسی زبان از ابتدا به قرآن اقتدا کرده و در بیان اشعار خود شان از قرآن بهره جسته اند، تا آثارشان را جاوید بسازند، چنانکه تاریخ ادبیات فارسی نشان می دهد که هر چه زمان بگذرد، نفوذ معنوی قرآن مجید در شعر شعرای ایرانی بیشتر می شود، بطوریکه تأثیر قرآن مجید در اذهان ایشان اجتناب ناپذیر شده است. قرآن نیز ”منشاء پیدایش علوم بسیاری در تمدن با شکوه اسلام شده است، و ما دانشهایی مانند صرف و نحو، لغت، علوم بلاغی، معانی و بیان حتی ریاضی و هئیت، تاریخ و سیر و هنرهایی چون خط، تذهیب، تجلید و نقاشی را در جهان اسلام بدان مدیونیم. علاوه بر اینها قرآن مجید در آثار ادبی بویژه ادب و شعر فارسی نیز انعکاسی گسترده داشته است.“ (احمدی بیرجندی، ۳۱)

سابقه استفاده از عناصر و آموزه های دین اسلام در شعر و ادب فارسی به همان دوره ظهور زبان و ادبیات فارسی دری بر می گردد؛ شعرای فارسی پس از قرن دوم هجری و آمیزش فرهنگ ایرانی با فرهنگ اسلامی، رنگی تازه ای به ادبیات فارسی دادند که موجب غنی سازی ادبیات ایران شده است، و می توان نخستین نمونه های تأثیر قرآن را و همینطور به کارگیری بدایع لغوی و بلاغی آن در اشعار بجای مانده از رودکی، شهید بلخی، کسایی مروزی، فردوسی، نظامی، سعدی، مولوی، حافظ و دیگران یافت. ”حضور عناصر دینی در ادبیات فارسی از يك سو مایه غنای زبان فارسی شد، و به آثار ادبی، روح و معنا و عمق و جهت داد، و از سوی دیگر، زمینه لازم را برای انتقال و بیان احکام، تعلیم و حقایق دینی فراهم آورد، و اسلام را در دسترس و حوزه فهم فارسی زبانان قرار داد.“ (مشتاق مهر، ۵۳)

استاد شهریار نیز مانند اغلب شعرای ایرانی به آیات قرآن احاطه داشته و در شعرش از

این منبع پُر ارزش استفاده جسته و به داستانهای قرآن مانند قصه یوسف، سلیمان، موسی و... توجه زیادی داشته است، و بارها بدین نام مبارك 'قرآن' در اشعار خود اشاره کرده و خودش را در شاهکارهایش مانند پیر و مرادش خواجه شیراز مدیون قرآن می داند، و می گوید:

شهریارا به بیاض سحر و زر خط شمع که همه عشق خود از سر خط قرآن کردم
(ذبیحی، ۲)

نیز جای دیگری می گوید:

از چه قرآن که منشآت خداست شاهکار فصاحت و انشاست
(شهریار، ب، ۳۱۴)

آنچه هویت شعر فارسی را شکل می دهد و شالوده شعر فارسی بر آن پی ریزی شده عرفان است. (خراسانی، ۲۰) شهریار در ابتدای جوانی عشق آتشی داشت که خود آن را عشق مجاز می نامید، بعد ها این شور و شوق وی به عشق عرفانی و الهی تبدیل می شود. این تحول استاد به قول خودش: "بت شکنی هایی بود که به تائب شدن وی انجامید." (شفیعی، ۲۰) استاد شهریار در این تحول به خواجه شیراز اقتدا نمود و عشق جاودانه را برای خود برگزید:

من از اول با خوناب اشک دل وضو کردم نماز عشق را هم با تو کردم اقتدا حافظ
(شهریار، ب، ۱۱۹)

استاد شهریار "علاوه بر آنکه شاعری شیرین گفتار و غزلسرای والا مقام است، از عارفان دلسوخته و سالکان دلباخته نیز به شمار می رود که با تأسی از مکتب عرفان حافظ به تبیین مبانی عرفانی خود پرداخته است." (پور عیسی، ۱۰۸) و حافظ را مرشد و پیر خود معرفی کرده است: به نقش خواجه ما بین و شاه بواسحق که پادشه ادب از پیر مانگهدار
(شهریار، الف، ۱۶۴)

وی در شعر "باغ عشق و همت" به تجلی عشق حقیقی در وجودش اشاره می کند: تا گرفته ام درسی از نوای مرغ حق شرح دفتر گل را خوانده ام ورق به ورق
شامگاه می میرم در جمال جاویدان بامداد بر می گردم زنده در تجلی حق

از بهار عرفانم تا چمن شکفت به طبع می برند لاله رخان گل به دامن و طبق
بزم انس ما گردد از چراغ او روشن کار عشق ما گیرد از جمال او رونق
من در آن مبارک دم با دو بال همت و عشق از ملک کنم پرواز تا به حق شوم ملحق
(هموم همان، ۲۶۳)

از دید شهریار «عرفان، مکتب انسان ساز؛ و عارف، انسان کامل است. زمانی که بشر به مدارج عالیّه انسانی راه یافت، دیده خدا بین می یابد، یعنی خدا را در همه جا حاضر می بیند.» (نیک اندیش نویر، ۲۹۹) استاد شهریار قرآن مجید را نه فقط سرچشمه تشریح الهی به حساب می آورد، بلکه پیش او يك سند عظیم الشان زبانی و يك اثر بسیار مهم ادبی و نعمت بزرگی است که خداوند متعال کتاب مقدسش را برای ما سرچشمه علوم در دنیا و آخرت قرار داده است. استاد شهریار به برشمردن صفات قرآن کریم می پردازد و چنین می گوید:

با همه اجر و مغفرت که در اوست سود دینا و آخرت که در اوست
(شهریار، ب، ۳۱۴)

میان شعر حافظ و کلام غیبی قرآن پیوستگی وجود دارد که تنها در پیوند های لفظی و معنایی خلاصه نمی گردد، بلکه در اسلوب بیانی و ساختار زبانی نیز دیده می شود. (اکرمی، ۲۱) استاد شهریار ارادت خاصی به خواجه شیراز داشته و گفته است:

کسی نینمی از برش خواند حفظ از پای تا سرش خواند
نادر افتد چو خواجه صاحب جاه که بود حافظ کلام الله
ليك بسیاری این هنر دارند که همه شعر خواجه بردارند
این همه امتیاز موزونی است ورنه اینجانه جای افزونی است
شاهد شعر را سرای ضمیر همه چون آینه ست نقش پذیر
(شهریار، ب، ۳۱۴-۳۱۵)

استاد شهریار در ابیات یاد شده به مسائل مهمی اشاره کرده است، یکی این که بعضی از شعرا در واقع نه حافظ قرآن اند، و نه قرآن خوان هستند، و اگر در اشعارشان تلمیحی یا اقتباسی

از قرآن دیده می شود، دلیل آن نیست که ایشان با قرآن انس و الفت داشته باشند، شهریار آنها را رسوا می داند، و گوید که ای شاعران، شما می توانید دیگران را فریب بدهید ولی خدا فریبتان را نمی خورد، شما که کلام خدا را می دزدید، اما حافظ به کتاب خدا عشق می ورزید و کسی که چیزی را دوست دارد آن را یاد می کند، انگار به ایشان می گوید: حافظ قرآن کجا و شما شاعران ابجد خوان کجا؟!

کسانی عقیده دارند که زندگی عارفانه استاد شهریار از سن شصت و پنج سالگی بوجود آمد. اما استاد شهریار از آغاز شعرگویی به خواجه اقتدا کرده، با اینکه مدعی نیست که حافظ قرآن باشد، به این دلیل می توان گفت که شهریار "نماینده عرفان مثبت اجتماعی و انسانی است." (فراسیاب پور، ۴۸۰)

قصص قرآن و اشارات آن در شعر شهریار

قصص قرآن کریم ذخایر عظیم و ارزشمندی بوده که ادبیات فارسی را تحت تأثیر قرار داده است. (داوری، ۱) باید اشاره شود که قصص قرآن برای سرگرمی نیست، بلکه به منزله قوانین الهی است، به همین دلیل می بینیم که قصص قرآن با نصیحت و موعظه الهی همراه است، و از آنها می توان در زمینه های مختلف بهره برد. قرآن کریم در سوره یوسف به این هدف مندی خود اشاره کرده و خداوند متعال چنین می فرماید: لقد كان في قصصهم عبرة لأولي الالباب. (سوره یوسف، ۱۱۱) (ترجمه: در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه است) استاد شهریار بخوبی از قصص قرآن استفاده کرده و در موضوعات مختلف به کار برده است. اینک به کار بردن قصص قرآنی در اشعار استاد شهریار می پردازیم و پاره ای از چگونگی استفاده این شاعر بزرگ از آنها بازگو می کنیم.

سرزنش دنیا

شعرا و عرفای ایرانی پیوسته دنیا را بشدت سرزنش کرده و از آن به عنوان يك زندگانی فانی و ناپایدار یاد کرده اند. استاد شهریار مردم را نصیحت می کند که به این دنیا اعتماد نداشته باشند. استاد شهریار با استفاده از داستان حضرت عیسی سخن تازه ای به وجود می آورد. خداوند متعال می فرماید:

وقولهم انا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول الله وما قتلوه وما صلبوه ولكن شبه لهم وان الذين اختلفوا فيه لفي شك منه ما لهم به من علم الا اتباع الظن وما قتلوه يقينا (سوره نسا، ۱۵۷)

مثال دیگری از داستان حضرت سلیمان است که بر همه عالم حکومت داشت، علم و قدرت و ثروت و همه چیز در اختیارش بود، خداوند متعال می فرماید: و اوتینا من کل شی (سوره نمل، ۱۶) همه امکاناتی که برای یک قدرت یگانه لازم است، خداوند متعال به سلیمان عطا فرمود، ولی سرانجام دست خالی از این جهان رفت. شهریار می گوید:

حراج عمر چه سوداگری ست شعبده باز که گنج و حشمت قارون نمی خرد به پیشیز
(شهریار، ب، ۱۱۰)

خداوند می فرماید: قال الذين يريدون الحياة الدنيا يا ليت لنا مثل ما اوتي قارون انه لذو حظ عظيم. (سوره كهف، ۶۴) (ترجمه: گفتند، ای کاش، همانقدر که به قارون از مال دنیا دادند، به ما هم عطا می شود که وی بهره بزرگ و حظ و افری را داراست)

شهریار با استفاده از داستان حضرت خضر جنبه عارفانه ای جلوه می دهد و می گوید:
غبار فقر و فنا توتیای چشمم کن که خضر راه شوم چشمه بقای تو را
(شهریار، ب، ۱۲۰)

استاد از خداوند متعال مسألت می کند که از چشمه ازلای عشق و محبت او بنوشد و زنده ابدی شود، حضرت خضر نماد جاودانی است و اسم او صریحاً در قرآن نیامده است، ولی مفسرین قرآن کریم معتقد اند که خضر همان شخصیتی است که در داستان حضرت موسی ذکر شده است. خداوند متعال می فرماید: ”فوجدنا عبدا من عبادنا آتیناه رحمة من عندنا و علمناه من لدنا علما. (سوره كهف، ۶۴) (ترجمه: در آنجا بنده ای از بندگان خاص ما را یافتند که او را رحمت و لطف خاصی عطا کردیم، و هم از نزد خود وی را علم پیاموختیم) البته جاودانگی به عقیده شهریار معنوی است، مادی نیست. استاد می گوید:

جلوه ای کن که سخن با تو کنم چون موسی سینه ام سوخته در حسرت سینا گشتن
(شهریار، ب، ۲۵)

استاد از این دنیا خسته شده و احساس غریبی می کند، به این دلیل از خداوند متعال درخواست می کند راه نورانی خود را به او نشان بدهد. فتنه سامری و تجلی نور حق در طورسینا تجلی خداوند است:

فتنه سامری و جلوئه سینای کلیم گوشه ابروی از غمزه جادوی تو بود
(شهریار، الف، ۸۸۰)

استاد شهریار 'ماه' را به حضرت یوسف، و 'خود' را به حضرت یعقوب تشبیه می کند، که خواننده را به یاد قصه یوسف می اندازد که قرآن آن را احسن القصص نامیده است:

عزیزان ماه من تا در محاق چاه هجران شد غم این یوسف ثانی مرا یعقوب ثانی کرد
(همو، ب، ۷۰)

شاعر ما در بیان حسودت نیز از همین قصه سود می جوید:

حاسدان چاه کنناند و گرنه یوسف نیست ماهی که دل از مهر کند کنعان را
(همو، الف، ۵۷)

اعتقاد شهریار به دین اسلام محکم بوده، و در عین حال میهن پرست و ایران دوست نیز بوده، و شکوه و عظمت ایران و اجداد را همواره به خاطر داشته، وطن خود را ستوده است: بیت زیر ما را به یاد داستان حضرت سلیمان می اندازد که به وسیله خاتم خود سراسر عالم را مسخر می کرد:

خاتم گمشده را باز بجو ای ایران که بدان حلقه جهان زیر نگین ما بود
(همو، ب، ۸۹)

استاد به شعر خود می نازد و می گوید:

شعر من رفت در آفاق به آواز فروغ فلکه ریخت به سر لؤلؤ مکنون ما را
(همو، الف، ۱۰/۳)

استاد در شعر عاشقانه خود از داستانهای قرآنی استفاده می کند:

هدهد گرفت رشته صحبت به دلکشی بازش سخن ز زلف تو و شانه تو بود
(همو، ب، ۹۷)

اشارت است به داستان حضرت سلیمان با هدهد، هنگام برگشتن هدهد از سبا

و تعریف از ملکه آن. خداوند متعال می فرماید: ”انی وجدت امرأة تملكهم و اوتيت من كل شئ ولها عرش عظیم (سوره نمل، آیه ۲۳)

استاد جای دیگر هم می گوید که باز هم اشارت است به داستان حضرت یوسف:

بارها یوسف دل را که به چاه غم توست دو جهانیش به خرید آمده، نفروخته ام
(همو، همان، ۱۲۲)

یاران چو یوسف به سوی چاه می برند خود می شتابی ای دل غافل جلو جلو
(همو، همان، همانجا)

در بیت زیر اشارت دارد به داستان حضرت موسی: ”و نادیناه من جانب الطور الایمن و قربناه نجیا“ (سوره مریم، ص ۵۲)، (و از جانب راست طور، او را ندا دادیم، و درحالیکه با وی راز گفتیم، او را به خود نزدیک ساختیم):

شبانیم هوس است و طواف کعبه طور مگر به گوش دلی بشنوم صدای تو را
(همو، الف، ۶۷/۳)

شهریار آیات قرآن کریم نیز به طرق گوناگون در شعر خود ایراد کرده و تسلط خود را در فهم معانی قرآن آشکار ساخته است، اینک نمونه هایی از تأثیرات آیات قرآنی در شعر شهریار:
مستی می زنده باده و نشئه افیون زین دو برون زندگی عذاب الیم است
(همو، ب، ۴۴)

”عذاب الیم“ چندین بار در قرآن آمده و مثال آن آیه: ... فبشرهم بعذاب الیم...“ (سوره آل عمران، ۲۰) (آنها را به عذاب سخت درد ناک بشارت ده)

این بیت نشان می دهد که استاد تا چه اندازه ای بر مفردات قرآن کریم تسلط داشته است، و نحوه استفاده او چقدر لطیف و نغز است:

منشق آن گونه که گفתי دیگر دنت الساعة و انشق القمر
که اقتباس است از آیه ”اقتربت الساعة و انشق القمر...“ (سوره قمر، ۱) (آن ساعت یعنی روز قیامت، نزدیک آمد و ماه آسمان شکافته شد)

به هر جمعی ست تفریقی، نبینی که یوم الحشر خود یوم النشور است
(همو، همان، ۱۲۳)

تلمیح است به آیه “و یوم نحشرهم جميعاً...” (سوره یونس، ۲۸) (و ما روزی همه خلق را در قیامت جمع آریم)

استاد در نثر خود نیز از قرآن اقتباس کرده، در مقدمه قطعه مومیایی نوشته است:

”از همه بالاتر صدای بلندگوی خدا را می شنویم که مو بر اندام هر شنونده ای خیز می کند: الم اعهد الیکم یا بنی آدم الا تعبد الشیطان، این تازیانه تنبیه خدا به اصطلاح ما همه را در آتش حجلت آب می کند.“ (همو، همان، ۴۷۳) که اقتباس است از آیه “الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبد الشیطان انه لکم عدو مبین“ (سوره یس، ۶۰) (ای آدم زادگان، آیا با شما عهد نبستم که شیطان را نپرستید، زیرا روشن است که دشمن بزرگ شماست)

نتیجه گیری:

شهریار انس و الفت با قرآن داشته و بر معنی آن مسلط بوده و از قرآن کریم به صورتهای گوناگون استفاده کرده و تشبیهات و معانی تازه ای با استفاده از قرآن کریم در شعر خود آورده و نیز جنبه عرفانی داشته و به پیر و مرادش حافظ شیرازی اقتدا کرده است.

کتابشناسی:

- احمدی بیرجندی، احمد (۱۳۷۲ ش) قرآن در ادب و شعر فارسی، مجله فقه و اصول، تابستان ۱۳۷۲، شماره ۲.
- پور عیسی، داراب (۱۳۸۹ ش) کاوش در عرفان و بینش های عارفانه استاد شهریار، مجله ادب و عرفان تابستان ۱۳۸۹، تهران.
- خراسانی، مصطفی محدثی (۱۳۸۲ ش) گلستان قرآن، نیمه اول مهر، ۱۳۸۲، شماره ۱۵۸.
- ذبیحی، مرتضی (۱۳۷۶ ش) فرهنگ عامه در اشعار فارسی شهریار، انتشارات ذره بین.
- شفیع، محمد (۱۳۶۳ ش) قرآن در ادب فارسی، کیهان فرهنگی، سال اول، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۶۳، تهران.
- شهریار، محمد حسین (۱۳۸۷ ش) دیوان اشعار، جلد اول، مؤسسه انتشارات نگاه، چاپ سوم، تهران.

- همو (۱۳۸۴ش) سرود آبشار- منتخب اشعار شهریار- انتشارات سخن، چاپ نخست، تهران.

- مشتاق مهر، رحمان (۱۳۸۳ش) تاثیر قرآن و حدیث در شعر ابن یمن فریومدی، مجله درسه‌ای از مکتب عرفان، مهر ۱۳۸۳، شماره ۷.